

Evaluate the reasons of "protecting government officials" in the Islamic Government

Seyed Mojtaba Azizi*
Mohammadreza Aram**

Received: 2021/04/12


Accepted: 2021/10/03

Throughout history, government officials and important personalities have always been at risk. The main question of this research is "Is the protection of officials and personalities accepted in Islam"? To answer this question, we referred to the main sources of Islam and this main question was answered by a jurisprudential method. In this study, two different categories of evidence were found; Arguments that agree with and support the protection of personalities and officials in Islam, and arguments that seem to conflict with protection. Following various works and examining the evidence, the result of this research was that protection in Islam is a certain and accepted thing; However, according to the desirable characteristics of the Islamic ruler, the desirable fraternal relations in the community of faith and the beliefs of the believer, conditions and conditions must be set for it. In the meantime, the prohibition of intentional destruction and the order to guard in the prayer of fear are the most important arguments in favor of guarding in Islam. We also see in the biography of the Prophet (PBUH) that he was protected in wars and many bodyguards have been mentioned for him throughout history. Low identification of security in Islam can lead us to the right model for today's complex world.

Keywords: Authority, Bodyguard, Islamic Government, Protecting government officials.


* Assistant Professor of Political Science, Imam Sadeg University, Faculty of Islamic Education and Political Science, Islamic Revolution Studies Group, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

seyedmojtbaazizi@gmail.com

 0000-0002-1988-9650

** Ph.D student in Political Science, Department of Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, I.R.Iran.

dr.araam@gmail.com

 0000-0002-2571-3934

ارزیابی ادله متعارض «حراست» در حکومت اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

سید مجتبی عزیزی*

محمد رضا آرام**


چکیده

تا زمانی که خطرات جانی و مالی وجود داشته باشد، نیازمند محافظت از جان و مال هستیم. به میزانی که جان یا مالی را خطرهای بیشتری تهدید کند، نیازمند محافظت‌های بیشتری هستیم. همواره در طول تاریخ، مسئولین حکومت‌ها و شخصیت‌های مهم در معرض خطر بوده‌اند. از این رو شاهد پدیده‌ای به نام محافظت و حراست از شخصیت‌ها و مسئولین هستیم. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه «آیا حراست از مسئولین و شخصیت‌ها در اسلام امری پذیرفته شده است؟» برای پاسخ به این سؤال به منابع اصلی اسلام مراجعه و با روشی فقهی، به این سؤال اصلی پاسخ داده شد. در این پژوهش دو دسته متفاوت از ادله یافت شد؛ ادله‌ای که موافق و مؤید حراست و حفاظت از شخصیت‌ها و مسئولان در اسلام هستند و ادله‌ای که به ظاهر در تعارض با حراست قرار می‌گیرند. با تتبع در آثار مختلف و فحص از ادله، نتیجه این پژوهش آن شد که حراست در اسلام امری مسلم و پذیرفته شده است؛ اما با توجه به ویژگی‌های مطلوب برای حاکم اسلامی، روابط مطلوب برادرانه در جامعه ایمانی و اعتقادات فرد مؤمن، باید برای آن ضوابط و شرایطی تعیین کرد.

واژگان کلیدی: حراست، محافظت، نگهبانی، محافظ، مسئولین، حکومت اسلامی.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

seyedmojtabaazizi@gmail.com

0000-0002-1988-9650 

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه

امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

dr.araam@gmail.com

0000-0002-2571-3934 

مقدمه

بیان مسئله: یکی از مسائلی که هر نظام سیاسی به تبع وجود دشمنان خارجی و داخلی با آن درگیر است، تأمین امنیت زمامداران و شخصیت‌های مهم آن کشور است. مسئله اصلی پژوهش حاضر بیان و تحلیل حدود مقوله مهم «حراست» از مسئولان در حکومت اسلامی است.

اهمیت: پژوهش حاضر از آن حیث که مبادی نظری بحث را مستند به منابع اولیه اسلامی به بحث می‌گذارد، دارای اهمیت نظری است و از آن حیث که به تعیین حدود حراست از مسئولان در حکومت اسلامی، اشاره دارد؛ دارای اهمیت کاربردی می‌باشد. **ضرورت:** بعضی از تحلیل‌گران معتقدند که نگرهبان داشتن خلاف آداب و دستورات اسلامی است و اصل بر نداشتن محافظ است؛ حتی اگر منجر به کشته شدن مسئول گردد (نک. سایت جامعه خبری تحلیلی الف، اصلاً مرگ بر این جامعه، ۱۳۹۸/۰۱/۲۰).

در مقابل برخی التزام به این امر را علی‌رغم هزینه بالای مادی و معنوی آن اصل می‌دانند. بر این اساس عدم ورود به این موضوع می‌تواند زمینه حاکمیت دیدگاه‌های افراطی یا تفریطی را فراهم سازد. به همین خاطر، موضوع دارای ضرورت کاربردی است. **اهداف:** تقویت ایده و سازوکار مناسب برای حفاظت از مسئولان، هدف اصلی این پژوهش است. در همین ارتباط رفع تعارض ظاهری ادله مطرح در باب حراست، و کمک به درک بهتر ادله اسلامی در موضوع بحث؛ اهداف فرعی را شکل می‌دهند.

فرضیه و سؤال‌ها: این پژوهش فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: آیا در اسلام حراست از مسئولین امری پذیرفته شده است؟ در همین راستا سؤال‌های فرعی زیر مطرح شده‌اند: ادله موافق حراست در اسلام کدامند؟ ادله مخالف حراست در اسلام کدامند؟

روش: این پژوهش از حیث ماهیت، «بنیادی» است و رویکرد محققان توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی با تأکید بر منابع اصلی (آیات و روایات) استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش فقهی با تأکید بر مسلک اصولی بهره برده شده است. در حال حاضر پژوهش‌های فقهی رایج در حوزه‌های علمیه شیعی، به‌طور معمول از روش استنباطی اصولی (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۳۵ق)

- در برابر روش اخباری (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۳۶ق) - استفاده می‌نمایند. در این روش تلاش می‌شود تا ادله فقهی شامل کتاب، سنت، اجماع و عقل، مبتنی بر منهج اصولی و با استفاده از نتایج مباحث اصولی به ارائه حکم فقهی منجر شود (رجحان، ۱۳۷۸، ص. ۹۷). البته با توجه به کثرت ادله موافق و معارض حراست، به جهت رعایت اختصار، تلاش شده در هر بخش به بیان مهمترین ادله اکتفا شود. با عنایت به اینکه در این روش موضوع اعتبار مستندات خیلی مهم و مسئله‌ساز است، باید توجه داشت که: در این پژوهش روایاتی که به‌طریق صحیح به‌دست ما رسیده و یا محفوف به قرائن هستند؛ حجت دانسته شده است. بر این اساس روایات ضعیف‌السند - اعم از روایات مرسل، مقطوع و غیر آن - می‌تواند معتبر باشد، به شرطی که مضمون آن در روایات صحیح‌السند، یا محفوف به قرائن ذکر شده باشد. روایاتی که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته، صحیح‌السند هستند و یا مضمون آنها در روایات معتبر و محفوف به قرائن ذکر شده است. به روایات دارای ضعف سندی، از آن جهت که مضامین آنها مورد تأیید روایات معتبر دیگر است، استناد شده است.

۱. پیشینه پژوهش

علی‌رغم اینکه موضوع «حراست» اهمیت کاربردی و نظری فراوانی دارد، متأسفانه موضوع پژوهش‌های جدی در فقه سیاسی نبوده است. با این حال پژوهش‌های پیشین را می‌توانیم در دو سطح بررسی و دسته‌بندی نمود:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

در نشریه دانش سیاسی مقاله‌ای با این موضوع مشخص، منتشر نشده است. اما می‌توان به مواردی اشاره داشت که دلالت کلی بر ضرورت حفظ امنیت مسئولان حکومتی دارد. برای مثال می‌توان به افتخاری و شهباز (۱۳۹۸) اشاره داشت که در مقام بیان چپستی امنیت از دیدگاه آیت‌الله مهدوی (ره) بوده‌اند و یک موضوع امنیت را مقابله با تهدیدهای داخلی دانسته‌اند که ترور مسئولان نیز از مصادیق آن است. جمالزاده و باباخانی (۱۳۹۶) در بحث از قاعده حفظ نظام به این موضوع اشاره داشته‌اند که نظام را نباید به مسئولان حکومتی تقلیل داد، اما هم‌زمان به نقش محوری ایشان در معرفی و

استمرار نظام نیز اشاره داشته‌اند که به‌نوعی بر ضرورت حفظ امنیت ایشان دلالت دارد. افتخاری (۱۳۹۴) در مقام بررسی تجربه امنیت اجتماعی شده در سیره نبوی، نشان داده که اصل در این سطح امنیت صیانت از ارزش‌ها و هویت اجتماعی است و این امر دلالت بر عدم محوریت امنیت مسئولان در قیاس با مرجعیت ارزش‌ها و هویت دارد. چنان‌که ملاحظه می‌شود موضوع در این مقاله‌ها از منظری کلی و عمومی بررسی شده است و به‌طور مشخص مسئله محافظت از مسئولان مدنظر نبوده است.

۲-۱. پیشنهاد موضوع در سایر منابع علمی

با تأمل در محتوای اندک منابع منتشر شده در این موضوع، می‌توان آنها را با توجه به رویکرد محققان به دو دسته اصلی تقسیم نمود:

الف. آثاری که به موضوع حراست به صورت عام پرداخته‌اند: این آثار یا حراست به صورت کنونی را مفروض گرفته‌اند و به‌بیان وظایف محافظان و پروتکل‌های مربوط به ایشان اشاره کرده‌اند (ر.ک: عرفانیان، ۱۳۹۶ و رپ و لشتیه، ۱۳۹۴) و یا اینکه حراست را به معنای کار اطلاعاتی گرفته‌اند و در این زمینه سخن رانده‌اند (ر.ک: محمدی‌مهر، ۱۳۹۶).
ب. آثاری که «حراست» را در سیر تحول دولت مورد مطالعه قرار داده‌اند: برزگر (۱۳۹۵) برخی آفات پدیده حاجب و حراست را تبیین نموده و در نهایت به‌مثابه شری ضروری و پدیده‌ای مستحدث از آن یاد شده است.

نوآوری این پژوهش افزون بر موضوع، به روش آن برمی‌گردد که به‌دلیل ابتنا بر روش فقهی و استناد به آیات و روایت، متمایز از مقاله‌های پیشین بوده و می‌توان آن را مکمل مطالعات قبلی ارزیابی نمود.

۲. مبانی مفهومی

۲-۱. حراست

این کلمه از ریشه «حرس» به معنای مراقبت و محافظت کردن است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص. ۹۱۶) تفاوت محافظت با حراست در این است که حراست با استمرار همراه است و نوعی شغل محسوب می‌شود، اما محافظت این‌گونه نیست (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۱۹۹).

۲-۲. بواب

کلمه بواب (بر وزن فعال) از ریشه بوب و از هم‌خانواده‌های کلمه «باب» است. از این‌رو بواب به فردی می‌گویند که معمولاً ملازم درب خانه یا اداره است و شغل او مدیریت ورود و خروج‌ها و «محافظت از یک مکان» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۵۰). مرادف بواب در ادبیات عرب «حاجب» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص. ۴۱۵ و ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص. ۴۳۸). این مفهوم در ادبیات فارسی، برابر با «دربان» است.

۲-۲. احتجاب

از ریشه «حَجَب» به معنای ایجاد هر نوع فاصله و مانع برای جلوگیری از تلاقی دو چیز یا اثر آن دو روی یکدیگر است، خواه این مانع، مادی باشد یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۱۶۷).

۲-۴. مسئولان

مراد از مسئولان اعم از کارگزاران حکومتی، رهبران و یا هر شخص مهم و تأثیرگذار دیگری در دولت اسلامی است. وقتی درباره حراست از مسئولان صحبت می‌شود، تفاوتی میان مسئولان معصوم و غیرمعصوم، در اصل حراست کردن نیست.

۳. طرح و بررسی ادله موافق حراست در اسلام

مقصود از ادله موافق حراست، ادله‌ای هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، موید حراست از افراد و شخصیت‌ها هستند. این ادله را می‌توان به ادله قرآنی، ادله روایی و سیره معصومین (ع) و ادله عقلی تقسیم‌بندی کرد.

۳-۱. ادله قرآنی

در قرآن کریم به وجوب حراست از جان خود در چند موضوع دستور داده شده که عبارتند از:

الف. نهی از در معرض هلاکت قرارگرفتن: یکی از توصیه‌های دین، نهی از خود را در معرض خطر هلاکت قراردادن و خودکشی است. از آنجا که همواره خطرهای جانی

و مالی - علی‌الخصوص برای مسئولین و شخصیت‌های مهم - وجود دارد، عدم گماشتن حراست و محافظ، نوعی در معرض هلاکت قراردادن خود محسوب می‌شود که از آن نهی شده است. مهمترین آیه در این ارتباط آیه شریفه ۱۹۵ از سوره مبارکه بقره است: «و در راه خدا انفاق کنید و با دستان خودتان، خودتان را در معرض هلاکت قرار ندهید و احسان کنید، قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست دارد».^۱

ب. **حراست در نماز خوف:** نماز خوف احکام خاصی دارد که یکی از آنها حراست برخی افراد از کسانی است که مشغول اقامه نماز خوف در جنگ هستند. ظاهر آیات نماز خوف بر این دلالت دارد که نباید نسبت به کشته‌شدن خود یا دیگر برادران دینی بی‌مبالات بود، بلکه باید خطرات جانی را به حداقل ممکن رساند. حراست در نماز خوف و کیفیت آن در قرآن کریم (نساء / آیات ۱۰۲ و ۱۰۳) و به طُرُق صحیح در سیره رسول خدا (ص) به تفصیل نقل شده است. بنابراین از مجموع آیات و روایات می‌توان فهمید، حراست در نماز خوف واجب است و از پیامبر (ص) در هنگام انجام غزوات در وقت نماز حراست می‌شده است.

۳-۲. ادله از سیره معصومین (ع)

در سیره مؤیدات بسیاری را برای این موضوع می‌توان سراغ گرفت:

۳-۲-۱. حراست از انبیاء (ع)

اخبار و روایات حاکی از آن است که انبیاء الهی محافظ داشته‌اند.

الف. حراست از حضرت داود (ع): علامه مجلسی در توصیف حضرت داود (ع) می‌نویسد: «حضرت داود (ع) شب‌ها را به عبادت بلند می‌شود و نصف عمرش را روزه گرفت و هر شب و روز چهل هزار نفر از او حراست می‌کردند» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص. ۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص. ۲۲۳ و مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص. ۱۴). همچنین ابن شهر آشوب مازندرانی درباره حضرت داود (ع) نقل می‌کند که: «حضرت داود (ع) سی هزار نفر محافظ داشت و محافظ حضرت محمد (ص) خداوند متعال بود»^۲ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۲۲۳).

ب. **حراست از پیامبر (ص):** روایات و گزارش‌های تاریخی در این خصوص به قدری

فراوان است، که این مسئله را به حدّ تواتر می‌رساند. این مستندات را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی نمود:

اول. محافظان پیامبر (ص): در گزارش‌های تاریخی مختلف و در کتب متعدد فریقین، به اسامی محافظان حضرت رسول (ص) به صورت پراکنده اشاره شده است. در اینجا به ذکر مهمترین آنها اکتفا می‌کنیم:

یک. امیرالمؤمنین (ع): حضرت علی (ع) بیش از هر فرد دیگری در محافظت از جان پیامبر (ص) اهتمام داشته‌اند. در دوران شعب ابی‌طالب، ایشان و برخی دیگر از بنی‌هاشم به دستور ابوطالب حراست از پیامبر (ص) را بر عهده داشتند. از ظواهر روایات چنین برداشت می‌شود که این حراست به صورت دائمی برقرار بوده است. به‌عنوان مثال: «وقتی پیامبر به خوابگاه خویش می‌رفت و خلایق در خواب می‌شدند، حضرت ابوطالب (ع) می‌آمد و پیامبر (ص) را به‌جای دیگر می‌برد و حضرت علی (ع) را در رختخواب آن حضرت می‌خواباند. ابوطالب فرزندان خود و نوادگان عبدالمطلب را حارس پیامبر قرار داده بود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، صص. ۶۴ و ۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۴ق؛ ج ۳۵، ص. ۹۴). در گزارش‌های مربوط به شعب ابی‌طالب آمده است که پیامبر (ص) برای قرائت قرآن و دعوت به اسلام در آن زمان، از کسانی می‌خواستند که حراست ایشان را برعهده گیرند تا هنگام تلاوت قرآن برای مردم، مورد حمله دشمنان قرار نگیرند و به آنها می‌فرمودند: «تَمْنَعُونَ لِي جَانِبِي» از من حفاظت و حراست کنید تا کتاب پروردگارم را برای شما تلاوت کنم و بهشت پاداش شما نزد خداوند متعال باشد^۲ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، صص. ۶۴ و ۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۴ق؛ ج ۳۵، ص. ۹۴). هم‌اکنون نیز در مسجدالنبی (ص) ستونی به نام «استوانة الحرس» یا «استوانة المحرس» وجود دارد که مشهور است امیرالمؤمنین (ع) برای حراست از پیامبر (ص) آنجا می‌ایستادند (مطری، ۱۴۲۶ق، ص. ۹۲).

دو. حضرت ابوطالب (ع): ایشان به‌عنوان مهمترین حامی و پیش‌مرگ پیامبر (ص) شناخته می‌شود (ر.ک: شفیعی شاهرودی، ۱۳۸۶). در روایتی که به سند صحیح به‌دست ما رسیده، امام باقر (ع) می‌فرماید: «هنگامی که قبیله قریش بر کشتن رسول‌الله (ص) متفق شدند و نامه‌ای تحریم‌آمیز نوشتند، حضرت ابوطالب (ع)، بنی‌هاشم را جمع کرد و

به خانه خدا و رکن و مقام و مشعرالحرام در کعبه قسم خورد که: ای بنی‌هاشم! اگر خاری در پای محمد (ص) برود، من با شما برخورد می‌کنم. در نتیجه پیامبر (ص) را وارد شعب کردند. حضرت ابوطالب (ع) به مدت چهار سال بالای سر پیامبر (ص) با شمشیر می‌ایستاد و شبانه‌روز از ایشان حراست می‌کرد» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۳۸۰). از این روایت صحیح‌السند می‌توان به چند نکته در باب حراست پی‌برد:

اولاً. حضرت ابوطالب (ع) علاوه بر اینکه خودشان از پیامبر (ص) در این مدت چهارساله حفاظت می‌کرده‌اند، از بنی‌هاشم نیز در این راه استفاده می‌کردند. ثانیاً. حفاظت از جان، بر هر کس واجب است. به قیاس اولویت، حراست از جان حاکم و شخصیت‌های مهم جامعه اسلامی از اوجب واجبات است. ثالثاً. حراست مختص جنگ‌ها نیست، بلکه اگر در غیر زمان جنگ، خطر ترور کسی وجود دارد، حراست از آن فرد لازم است. همچنین می‌توان گفت: حراست از این دسته از مسئولین یک واجب کفایی است که با حفاظت به میزان کفایت از آن فرد در معرض تهدید و ترور، این امر از بقیه افراد ساقط می‌شود. همچنین با وجود محافظ تعیین شده برای چنین افرادی، حفاظت بر محافظان یک واجب عینی است. سه. عبّاد بن بشر: در گزارش یکی از سفرهای رسول خدا که احتمال ترور ایشان توسط دشمن مطرح بود، آمده است: «پیامبر (ص) به عمار بن یاسر و عبّاد بن بشر دستور دادند که از ایشان حراست کنند. در نتیجه آن دو نفر شب را به دو قسمت تقسیم کردند. قرار شد نیمه اول شب را عبّاد بن بشر حراست کند و نیمه دوم آن را عمار بن یاسر. بر این اساس، عمار بن یاسر خوابید و عبّاد بن بشر به نماز ایستاد»^۴ (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، صص. ۱۳۴-۱۳۳). این روایت با اختلافی اندک در دیگر منابع فریقین ذکر شده است (نک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۳۷۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۲۰۰؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۷۹ و واقلدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص. ۳۹۷). همچنین در منابع متعدد، ذکر شده است که عبّاد بن بشر، مسئول تیم محافظان حضرت رسول (ص) در غزوه تبوک بوده است (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۱۲۶ و ج ۳، ص. ۳۳۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص. ۶۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۶۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۴۵۳؛ واقلدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۱۰۳۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص. ۹۴ و زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص. ۲۵۷). علاوه بر این نقل

شده است که او مسئول تیم محافظان حضرت رسول (ص) در جنگ احد (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۱۷۹)، غزوه وادی القری (ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۳۸۴) و غزوه خندق (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۲۳۴) بوده است.

بر همین سیاق گزارش‌های متعدد تاریخی دیگری داریم از اسامی افرادی که به تناسب عهده‌دار این مسئولیت مهم بوده‌اند. برای مثال می‌توان به عمار یاسر (نک: بیقهی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص. ۳۷۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص. ۲۰۰-۱۹۹ و ج ۸، صص. ۳۶۶-۳۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۸۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۷۹ و ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص. ۲۰۸)، اوس بن خولی در جریان صلح حدیبیه و فتح مکه (نک: مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۲۸۹ و صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۴۷)، محمد بن مسلمه در جنگ احد و فتح مکه (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳ و ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص. ۸۸ و ۳۸۳)، ذکوان بن عبد قیس در غزوه وادی القری و جنگ احد (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۳۹۹ و ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۳۸۳)، سعد بن معاذ در جنگ بدر (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۳۹۸ و ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص. ۸۸ و ۳۸۳)، زبیر بن عوام در جنگ خندق (نک: صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۳۹۹؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۸۸ و ۳۸۳)، أبو ایوب أنصاری (خالد بن زید) در جنگ خیبر (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳)، اشاره نمود که نقل شده رسول اکرم (ص) برایش چنین دعا کردند: «خدایا! همان‌طور که ابا ایوب شب تا صبح از من محافظت کرد، از او محافظت کن» (نک: ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۳۸۳، ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص. ۲۱۲؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳۴۰ و قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص. ۸۳۶ و ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۳۸۳). در این فهرست می‌توان به اسامی بسیاری اشاره داشت: سلمة ابن أسلم بن حریش، حارثة بن نعمان، أسید ابن حضیر، سلکان بن سلامه، سعد بن ابی وقاص، أبو نائلة سلکان بن سلامه، أبو قتادة الأنصاری، الأدرع الأسلمی، بلال، عبد الله بن مسعود، مرثد بن ابی مرثد الغنوی (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص. ۱۶۳؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، صص. ۳۹۹-

۳۹۸ و ابن سید الناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص. ۸۸ و ۳۸۳.

دوم. موافق حراست از پیامبر (ص): در برخی روایت به محل‌هایی که از پیامبر (ص) حراست شده، اشاره شده است؛ مانند: حراست از پیامبر (ص) در فتح مکه، حراست از پیامبر (ص) در غزوات، و حراست از پیامبر (ص) تا پیش از روز غدیر. در خصوص مورد اخیر محمد بن کعب القرظی نقل می‌کند: «پیامبر (ص) پیوسته از سوی اصحابش محافظت و حراست می‌شد، تا اینکه خداوند آیه تبلیغ را به سوی او فرو فرستاد، هنگامی که خداوند متعال به پیامبرش خبر داد که او را از شرّ و گزند مردم حفظ خواهد کرد، ایشان از میان محافظان خارج شدند و حراست از خود را ترک کردند»^۹ (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۳۱). از تعبیر «حراست می‌شد» (یتحارس) در این روایت متوجه می‌شویم که این حراست استمرار داشته و دائمی بوده است. در روایت آمده است «ترک الحرس» و نگفته «نهی الحرس»، لذا نهی وجود نداشته است. در روایت دیگری آمده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (ص) به تیم حفاظتی خودشان از جمله سعد و حذیفه، که دائماً از ایشان حراست می‌کردند، دستور دادند: «به جایگاه‌هایتان بازگردید، پس قطعاً خداوند متعال مرا در برابر مردم مصون نگاه می‌دارد» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۵۸۷ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۳۴۵).

۳-۲-۲. حراست از ائمه (ع)

در این ارتباط می‌توان به موارد زیر استناد نمود:

الف. حراست از امیرالمؤمنین (ع): حضرت امیرالمؤمنین (ع) - همچون پیامبر (ص) - دستگاه حفاظتی و حراستی مستحکم و چندلایه‌ای داشته‌اند. شرطه‌الخمیس در رأس این تیم حفاظتی قرار دارد. شرطه‌الخمیس آنقدر ملازم حضرت بوده‌اند که حتی زمانی که امیرالمؤمنین (ع) برای سرکشی به مجامع عمومی می‌رفتند، شرطه‌الخمیس همراه ایشان بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۳۴۶). در گزارشی در این باره آمده است که شرطه‌الخمیس اگر احتمال سوءقصد از جانب کسی را می‌دادند او را دستگیر می‌کردند (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۱ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص. ۲۴۷).

ب. حراست از سایر ائمه (ع): در گزارش‌های حدیثی و تاریخی علاوه بر حراست، از

وجود بواب و دربان برای اهل بیت (ع) نیز سخن به میان آمده است. باید توجه داشت که چنین افرادی به‌طور معمول از محدثین بزرگ شیعه نیز بوده‌اند. در برخی کتب تاریخ اسلام برای تک‌تک امامان بواب و دربان ذکر شده است که در اینجا به ذکر اسامی آنها اکتفا می‌کنیم. اصبع بن نباته، بواب امیرالمؤمنین (ع)؛ سفینه، بواب امام حسن (ع)؛ رشید الهجری، بواب امام حسین (ع)؛ یحیی بن أم الطویل، بواب امام سجاد (ع)؛ جابر بن یزید الجعفی، بواب امام باقر (ع)؛ المفضل بن عمر، بواب امام صادق (ع)؛ محمد بن المفضل، بواب امام کاظم (ع)؛ محمد بن الفرات، بواب امام رضا (ع)؛ عمر بن الفرات، بواب امام جواد (ع)؛ عثمان بن سعید العمری، بواب امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع). بنابراین وجود محافظ و تیم حراستی تنها مختص به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نبوده است. بلکه سایر امامان نیز محافظ و دربان داشته‌اند. به‌عنوان مثال برای امام رضا (ع) نیز تیم حفاظتی ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۰، ص. ۷۲).

۳-۲-۳. رواج حراست در جنگ‌ها

یکی دیگر از ادله موافق حراست در اسلام، رواج حراست در جنگ‌ها در سپاه اسلام و کفر بوده است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص. ۷۷). معمولاً این حراست از فرمانده نظامی یا اشخاصی که آسیب دیدن آنها می‌تواند مصلحتی را به خطر اندازد و شیرازه لشکر به آنها وابسته است، صورت می‌گرفته است. وجود حراست و رواج آن به همراه عدم نهمی و ردع از جانب معصوم دلالت بر تقریر این امر دارد همچنین در سپاه مسلمین نیز حراست رواج داشته است. به‌عنوان مثال در روایت مرسلی، امیرالمؤمنین (ع) هنگامی که زیاد بن نضر را مسئول مقدمه سپاهشان در جنگ صفین می‌کنند، این‌گونه دستور می‌دهند: «مراقب باشید - از دشمن - غافل نشوید و خودت از سپاهت حراست کن و مبادا استراحت کنی یا شب را به صبح برسانی جز به اندازه‌ای که آب را در دهان غرغره و مضمضمه می‌کنی. این امر باید تبدیل به سیره و روش تو تا زمانی که بر دشمن پیروز می‌شوی بشود» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳، ص. ۱۹۲).

۳-۳. ادله عقلی

در بحث عقلی می‌توان به دو مورد زیر استناد نمود:

الف. سیره عقلا: حفاظت و حراست از جان، یکی از سیره‌های مسلم عقلاست. حال اگر خود انسان، به تنهایی توان و امکانات حفاظت از جان خود را نداشته باشد و این امر، متوقف بر گماشتن محافظ و حارس باشد، به دلیل عقلی از دیگر افراد، برای این کار استفاده می‌کند.

ب. عدم ردع شارع: نه تنها گفتار و رفتار حضرات معصومین (ع)، بلکه حتی سکوت تأییدآمیز ایشان برای ما حجت است. همان‌طور که در مجموع ادله موافق حراست ملاحظه شد، معصومین (ع) در برخی موارد محافظان را تشویق و دعا کرده‌اند. در برخی موارد هم سکوت کرده‌اند و محافظان را از این کار نهی نکرده‌اند. عدم نهی اهل بیت (ع) از حراست حارسان و محافظان مختلف، دلالت بر تأیید این اقدام دارد.

۴. تحلیل ادله معارض حراست

ادله مخالف حراست را با توجه به موضوع تعارضشان، می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۴-۱. تعارض با ویژگی‌های حاکم اسلامی

برای حاکم اسلامی ویژگی‌ها و شرایطی ذکر شده است. حال هر عاملی که باعث از دست رفتن یا کم‌رنگ شدن این ویژگی‌ها شود باید حذف یا اصلاح شود. یکی از عواملی که می‌تواند تبدیل به عامل مُخَلّی برای تحقق ویژگی‌های لازم برای حکومت اسلامی شود، حراست است. در این ارتباط موارد زیر قابل توجه است:

۴-۱-۱. ارتباط بدون تکلف حاکم با مردم

یکی از ویژگی‌های لازم حاکم اسلامی، امکان ارتباط‌گیری بدون تکلف و ترس مردم با اوست که مستند است به کلام امیرالمؤمنین (ع) در نامه حضرت به مالک اشتر: «و در مجلس عمومی بنشین تا ناتوانان و بیچارگان به تو دسترسی داشته باشند. پس برای خوشنودی خدایی که تو را آفریده با آنان فروتنی کن، و نظامیان و یاران، چه محافظان و چه پاسداران را بنشان تا از ورود نیازمندان جلوگیری نکنند و به آنها دستور بده با مردم نرم‌خو باشند تا کسی که قصد صحبت دارد، بی‌لکنت و گرفتگی زبان و بی‌ترس و نگرانی بتواند سخن گوید و نیاز خود را بخواهد. چرا که من از

رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمودند: هرگز امتی که در آن حق ناتوان بی‌لکنت و ترس و نگرانی از توانا گرفته نشود، مقدس نگردد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص. ۱۴۲). برخلاف تصور اولیه، این روایت اصل حراست را نفی نمی‌کند، این روایت اصل وجود حراست را تأیید می‌کند اما در مورد کیفیت آن دستور می‌دهد که حراست اولاً. نباید مانع ارتباط آسان مردم و مسئولین باشد، و ثانیاً. حراست نباید باعث ترس و رعب عموم مردم شود.

۴-۱-۲. منع از ایجاد حجاب طولانی میان حاکم و مردم

در جای دیگری از نامه ۵۳ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «مبادا احتجاج تو از مردم طولانی شود چرا که در حجاب قرار گرفتن حاکمان از مردم، یکی از شُعب ایجاد تنگنا و باعث کاهش آگاهی نسبت به امور است. احتجاج مانع رسیدن آگاهی به مردم می‌شود و در نتیجه امور بزرگ نزد آنان کوچک و امور خرد نزدشان بزرگ جلوه می‌کند و زشت و زیبا جابجا شده و حق و باطل مخلوط می‌گردد. حاکم هم انسانی است که از نهمان مردم اطلاعی ندارد و حق را نشانه‌ای نیست که بتوان بدون دیدن انسان‌ها و رابطه با مردم آن را تعیین کرد و صدق و کذب را از هم بازشناخت» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۴۱). این عبارت بیانگر آثار سوء احتجاج طولانی است؛ از این رو، این روایت و روایات مشابه آن نیز نافی اصل حراست نیست، بلکه در شیوه حراست باید به گونه‌ای عمل شود که آثار سوء احتجاج طولانی بر آن بار نگردد.

۴-۱-۳. وجوب رسیدگی به امور مردم

رسیدگی به امور مردم وظیفه حاکم اسلامی است و این کار نیازمند رابطه مداوم با مردم است. در روایت صحیح‌ه‌ای امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هر کس متصدی یکی از کارهای مردم شود و عدالت را پیشه خود سازد و در خانه‌اش را باز کند و پرده - خانه - را بالا زند و به کارهای مردم رسیدگی کند، بر خدای عزوجل حق است که روز قیامت دل ترسانش را آرام کند و او را وارد بهشت کند» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۵). این روایت نیز نافی اصل حراست نیست، اما می‌توان از آن نتیجه گرفت که هر کس متولی امور مردم شود باید رابطه‌ای با مردم داشته باشد که با بسته بودن در خانه او و

قطع رابطه‌اش با مردم حاصل نخواهد شد. از این رو حراست و حفاظت باید به گونه‌ای صورت گیرد که مانع انجام وظیفه حاکم نسبت به مردم نشود.

۴-۲. تعارض با روابط ایمانی در جامعه اسلامی

اگر به نحوی از مسئولین و شخصیت‌ها حراست شود که روابط ایمانی در جامعه اسلامی خدشه پیدا کند، آن نوع از حراست جایز نیست. ادله این امر عبارتند از:

۴-۲-۱. عدم برتری جان هیچ کس بر دیگری

حراست به معنای جان‌فشانی و پیش‌مرگ شدن برای فرد دیگری است. اما اگر اساس روابط در جامعه ایمانی، روابط برادرانه است، پس جان هیچ برادری بر برادر دیگر برتری ندارد. به همین دلیل خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است».^۶ همچنین در روایت موثقه‌ای از پیامبر (ص) نقل شده است: «مسلمین همه برادرند و خونشان برابر است» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۷۳). این ادله، اصل حراست را نفی نمی‌کند، بلکه آن را مقید می‌کند. برابری در حرمت خون مسلمین مانع اصل حراست نیست، بلکه در نهایت، چنان‌که در پژوهش‌های دیگری بیان شده است نشان می‌دهد که «اجبار کردن افراد به حراست و جان‌فشانی خلاف مصلحت است» (ر.ک: عزیزی و احمدی، ۱۳۹۸) خداوند متعال در قرآن کریم در مذمت حضور با اکراه افراد، در جهاد، می‌فرماید: «اگر آنها همراه شما به سوی میدان جهاد - خارج می‌شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی‌افزودند».^۷

۴-۲-۲. نهی از ایجاد حجاب میان خود و برادر مؤمن

نه تنها ایجاد حجاب و حائل دائمی میان حاکم اسلامی و مردم حرام است، بلکه ایجاد حجاب دائم میان خود و برادر دینی نیز حرام است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۴۵). شیخ حرعاملی ذیل مجموع روایات این باب، حکم به تحریم ایجاد حجاب نسبت به شیعیان می‌دهد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۲۹ و ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۸۳). همچنین برخی از فقهاء حرمت این احتجاج را منوط به قطع رابطه کامل دانسته‌اند

(کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص. ۲۳) فخرالمحققین و شهید ثانی فتوا می‌دهند که اگر احتجاب علی‌الدوام باشد، این کار حرام است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص. ۶۰)؛ حال اگر حراست تبدیل به عامل ایجاد این حجاب دائمی شود، آن نوع حراست نیز حرام می‌شود. از امام صادق (ع) در روایتی صحیح‌السندی نقل شده است که: «هر مؤمنی که میانه او و مؤمن دیگر حجابی باشد، خدای عزوجل میان او و بهشت هفتاد هزار دیوار بلند بکشد که بین هر دو دیوار هزار سال راه مسافت باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۶۵). مرحوم مجلسی در تفسیر حجاب میان دو مؤمن می‌نویسد: «یعنی ایجاد هر گونه مانع برای جلوگیری از وارد شدن برادر دینی، خواه این مانع، بستن درب منزل روی برادر دینی باشد، خواه گماردن محافظ و دربان باشد که مانع وارد شدن مؤمنین به خانه او شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۵). همچنین در موثقه‌ای از ابوحمزه نقل شده است که او نزد امام باقر (ع) می‌رود و از ایشان سؤال می‌کند: «نظر شما درباره مسلمانی که برای دیدار یا برای حاجتی نزد مسلمانی برود و او در خانه باشد و اجازه ورود بخواهد، و او اجازه ندهد و از خانه هم بیرون نیاید، چیست؟» امام در پاسخ به او می‌فرماید: «ای اباحمزه هر مسلمانی که برای دیدار یا خواستن حاجتی نزد مسلمانی برود و او در خانه باشد اجازه ورود بخواهد و او بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا به دیدار یکدیگر بروند». اباحمزه از این عقوبت سنگین تعجب می‌کند و از امام می‌پرسد: «قربانت شوم! پیوسته در لعنت خدا هستند تا همدیگر را دیدار کنند؟» حضرت نیز پاسخ مثبت می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۶۵).

بنابراین اگر مؤمنی می‌تواند مؤمن دیگری را بپذیرد و این کار را انجام ندهد، کار حرامی مرتکب شده است. اگر ساختاری هم، باعث احتجاب دائم شود، آن ساختار حرام است. پس اگر حراست از افراد و مسئولین به نوعی باشد که دیگر مؤمنین ذلیل شوند و نسبت به آنها و حقوقشان بی‌اعتنایی شود، آن نوع از حراست نیز حرام می‌شود. ناگفته نماند که هر نوع احتجابی حرام نیست. مرحوم مجلسی در توضیح این مطلب می‌نویسد: «مراد از حرمت احتجاب، می‌تواند آن نوع احتجابی باشد که از روی تکبر و حرمت‌شکنی مؤمن و تحقیر او و بی‌توجهی به جایگاه او صورت گیرد. چرا که معلوم است که هر کس در طول شبانه‌روز، ناچار است، ساعاتی را به انجام امور شخصی، کسب درآمد و عبادت اختصاص دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص. ۴۶). مشابه این

بیان در توجیه احتجاب حرام را فقهای دیگر نیز آورده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص. ۴۰) به عبارت دیگر حراست و حفاظت حرام نیست، مگر اینکه باعث قطع ارتباط با مردم، تحقیر مؤمنین یا بی‌اطلاعی از مشکلات مردم شود.

۴-۲-۳. حرمت تکبر و دلیل کردن مؤمنین

یکی دیگر از خصلت‌هایی که به روابط برادرانه در جامعه ایمانی آسیب فراوان می‌زند، «تکبر» است. ادله قرآنی و روایی در باب حرمت کبر فراوان است، در موثقه‌ای از امام صادق (ع) درباره معنای کبر آمده است: «تکبر این است که: مردم را خوار شماری و حق را سبک بشماری» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۱۰). در روایتی که به سند ضعیف به دست ما رسیده است، پیامبر (ص) در بخشی از توصیه‌های خود به ابذر می‌فرماید: «هر کس علاقه‌مند به این باشد که افراد در برابر او بایستند، پس حتماً جایگاه خود را در آتش آماده کند» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۳۸). بنابراین اگر حراست هم از روی تکبر و جباریت باشد و هدف اصلی آن تحقیر دیگر مؤمنین باشد، آن نوع از حراست حرمت پیدا می‌کند. بنابراین اگر حراست از افراد به نحوی باشد که باعث ایجاد احساس تکبر و تبختر در مسئولین یا شخصیت‌ها شود، یا اینکه موجب تحقیر و ذلیل شدن دیگر مؤمنین گردد، آن نوع از حراست حرام است.

۴-۲-۴. حرمت ترک یاری مؤمنین در سختی‌ها

بی‌تفاوتی نسبت به نیازهای مؤمنین یکی دیگر از ویژگی منفی در روابط ایمانی است تا جایی که محدثین و فقها حکم به وجوب یاری مؤمنین و حرمت ترک یاری ایشان در سختی‌ها می‌دهند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۳۸۵). در روایت صحیح‌السندی، امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر فردی از شیعیان ما که نزد فردی دیگری از برادرانش برود و درباره حاجتی از او کمک بخواهد و او - با اینکه قدرت بر حل آن مشکل را دارد - کمکش نکند، خداوند او را گرفتار کند که حاجت فردی دیگری از دشمنان ما را برآورده سازد و به این واسطه خداوند در روز قیامت او را عذاب می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۶۶). پس اگر حراست از افراد و مسئولین باعث بی‌تفاوتی و بی‌توجهی نسبت به مشکلات و نیازهای مردم و مؤمنین باشد، آن‌گونه حراست حرمت پیدا می‌کند.

۴-۳. تعارض با اعتقادات فرد مؤمن

بخشی دیگر از ادله معارض با حراست، ادله‌ای هستند که در ظاهر حراست را مخالف اعتقادات صحیح مؤمنان معرفی می‌کنند. به این معنا که یک مؤمن واقعی به واسطه اعتقادات دینی به قضا و قدر و اجل و عمر مشخص و غیره نباید دست به حراست بزند. از آن جمله:

الف. اعتقاد به قضا و قدر: یکی از اعتقادات شیعه، اعتقاد به قضا و قدر است (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ص. ۷۵). در برخی از روایات حراست کردن در ظاهر مخالف با اعتقاد به قضا و قدر معرفی شده است. سعید بن وهب نقل می‌کند: «شبی با سعید بن قیس در صفین بودیم و هر یک از دو سپاه، دیگری را زیر نظر داشت. تا آنکه امیرالمؤمنین تشریف آوردند و ما به حضور آن حضرت رسیدیم. سعید بن قیس به ایشان گفت: در این ساعت شب، ای امیرمؤمنان؟ از چیزی نهراسیدی؟! حضرت فرمودند: از چه بهراسم؟! - سپس ادامه دادند: هیچ انسانی نیست مگر آنکه دو فرشته بر او گماشته‌اند، تا در چاهی نیفتد یا جانوری به او گزند یا نرساند یا از کوهی سقوط نکند، تا آنکه تقدیرش فرا رسد و چون تقدیرش فرا رسد او را با تقدیرش تنها می‌گذارند» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص. ۳۷۹). همچنین در روایت صحیح‌السندی، از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که ایشان می‌فرمودند: «هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر اینکه بداند آنچه به او رسیده، امکان نداشت که به او نرسد و آنچه به او نرسیده، امکان نداشت که به او برسد، و بداند که قطعاً تنها ضررزننده و منفعت‌رساننده خداوند عزوجل است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۵۸). بنابراین از روایات مبحث قضا و قدر متوجه می‌شویم که حراست و حفاظت شرط تامّ صحت و تأمین امنیت نیست؛ بلکه اگر قضا و قدر الهی بر آسیب دیدن یک فرد باشد، هر چند سیستم حفاظتی و حراستی پیچیده و گسترده باشد، آن فرد در امان نخواهد بود. اعتقاد به حراست هم نباید به گونه‌ای باشد که فرد فکر کند، محافظین او قرار است مقدرات او را تغییر دهند و از قضای نافذ الهی جلوگیری نمایند.

ب. اعتقاد به اجل و عمر مشخص: یکی از موارد قضا و قدر اعتقاد به اجل و عمر مشخص است. اصولاً باور به مرگ و باور به زمان مشخص مرگ برای هر فرد و امت، از

اعتقادات مسلمانان است. در آیات و روایات به کرات درباره اجل و عمر مشخص هر فرد و امت سخن به میان آمده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هر کجا باشید، مرگ به سراغ شما می‌آید، هر چند در برج‌های استوار ساکن باشید».^۸ پس هنگامی که اجل آنها فرا برسد، ساعتی به تأخیر یا تعجیل نمی‌افتد.^۹ در روایتی مرسل از امام صادق (ع) ذیل تفسیر این آیه آمده است: «سال‌ها را می‌شمارد، سپس ماه‌ها را شماره می‌کند، آنگاه روزها به شماره می‌افتد، سپس ساعات را شماره می‌کند و در نهایت تعداد نفس‌ها را شماره می‌کند». اعتقاد به «أجل» آنقدر جایگاه والایی دارد که در تعبیر ائمه (ع) از اجل به‌عنوان «حرز» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص. ۲۲۴)، «سپری استوار» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۰۵)، «محافظ» و «حارس» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۲۹) یاد شده است. وقتی امیرالمؤمنین (ع) را از خطر ترور ایشان - توسط ابن ملجم - آگاه می‌کنند، حضرت در جواب به آنها می‌فرماید: «خداوند سپر محکمی برای من قرار داده است؛ پس هر گاه روز من بسر رسد آن سپر - محافظت - از من جدا گردد، و مرا - به مرگ - تسلیم نماید، در آن هنگام تیر - مرگ - به خطا نرود و زخم - نیزه تقدیر - شفا نیابد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۹۴). افرادی به امیرالمؤمنین (ع) پیشنهاد دادند: «آیا موافق هستید تا از شما حراست کنیم؟» حضرت در پاسخ به آنها فرمودند: «محافظ هر فرد اجل اوست» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص. ۳۷۹). در روایت صحیح‌السندی نقل شده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) زیر دیوار سستی نشسته بودند و ایشان را از این کار بر حذر داشتند، ایشان در پاسخی مشابه می‌فرمایند: «محافظ هر فرد اجل اوست». در ادامه امام صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی حضرت بلند شدند دیوار فرو ریخت و این همان یقین است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۵۸). بنابراین موافقت با حراست، نباید به گونه‌ای باشد که فرد تصور کند، محافظین او قرار است اجل حتمی و قطعی او را تغییر دهند و مدتی عمر او را طولانی‌تر از اجل مشخص گردانند!

پ. **اعتقاد به ملائکه محافظ:** یکی دیگر از اعتقادات شیعه اعتقاد به وجود ملائکه و اثرگذاری آنها در این عالم است. یک‌دسته از این ملائکه وظیفه اصلی آنها حراست و حفاظت از اشخاص است. در روایت صحیح‌السندی از سعید بن قیس همدانی نقل شده است: «روزی در جنگ، نگاهم به مردی افتاد که تنها دو لباس ساده بر تن داشت. - با

دیدن این صحنه - اسبم را به طرف او به حرکت درآوردم. پس به ناگهان متوجه شدم آن مردم امیرالمؤمنین (ع) است. عرض کردم یا امیرالمؤمنین! در چنین جایی (با این لباس)؟! ایشان در پاسخ فرمودند: «آری، ای سعید بن قیس! هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه برای او از جانب خدا به عنوان نگهبان و نگهدار، دو فرشته مأمور است که او را نگه می‌دارند از اینکه از سر کوهی سرنگون نشود یا در چاهی بیافتد، و چون قضاء خداوند فرود آید (اجلس برسد) او را نسبت به همه چیز واگذارند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۵۹). پس اعتقاد به حراست نباید به گونه‌ای باشد که فرد فکر کند، تنها محافظین او قرار است از او محافظت کنند و محافظین غیرمادی نیز وجود ندارند.

ت. **دستور به کوتاه کردن عمر با جهاد:** فضیلت جهاد و وجوب کفایی آن، از دیگر اعتقادات تشیع است. از این رو اهل بیت (ع) دستور به کوتاه کردن عمر با جهاد داده‌اند. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده: «ای مردم! بی‌شک مرگ دست‌بردار انسان مستقر نیست و هیچ فرارکننده‌ای نمی‌تواند از آن فرار کند. هیچ چاره‌ای در برابر مرگ وجود ندارد و هر کس نمیرد، شهید می‌شود و قطعاً شهادت بافضیلت‌ترین مرگ است» (کلینی، ۱۴۹۷ق، ج ۵، ص. ۵۴). از این رو قبول حراست هم نباید به گونه‌ای باشد که فرد آرزوی شهادت را از یاد ببرد و فضیلت جهاد را فراموش کند.

ث. **مذمت فرار از جنگ:** در کنار توصیه به شهادت و جان‌فشانی در راه اسلام، فرار از جنگ به خاطر ترس جانی به شدت مورد مذمت و حرمت قرار گرفته است. خداوند متعال در مذمت فراریان از جنگ می‌فرماید: «بگو! اگر از مرگ یا شهادت فرار کنید، این کار هیچ فایده‌ای برایتان ندارد و در نتیجه جز چند صباحی زندگی نخواهید کرد».^{۱۱} در جای دیگری از قرآن کریم افرادی که دچار انحراف اعتقادی در جنگ شده بودند مورد نقد قرار می‌گیرند: «آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند، که برای تو آشکار نمی‌کردند. می‌گفتند: اگر ما در این کار اختیاری می‌داشتیم - و وعده پیامبر واقعیت داشت - در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر شما در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده، قطعاً - با پای خود - به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند»^{۱۲} فرار از معرکه در منابع حدیثی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص. ۲۷۸-۲۷۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۱۳۰ و ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص. ۳۹۲) و فقهی (مفید، ۱۴۱۳ق،

ص. ۲۹۱؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص. ۴۷۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص. ۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص. ۳۲۵ و ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۴۵۵) از گناهان کبیره شمرده شده است. باید توجه داشت که نهی از فرار از معرکه مساوی با ممنوعیت حراست نیست، بلکه از آن می‌توان برداشت کرد که حراست نباید به گونه‌ای باشد که موجب فرار از مواضع خطر و باعث دوری از وظیفه جهاد شود.

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نه تنها «حراست» حرام نیست، بلکه در مواردی که خطر قابل اعتنایی مطرح باشد، لازم است که حراست انجام گیرد. ادله معارضی که علیه حراست اقامه شده نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت و نشان داده شد که این ادله غالباً خارج از بحث حراست هستند و در مواردی نیز برای حراست حد و حدود و شرایطی را تعیین می‌کنند؛ ولی اصل حراست را حرام اعلام نمی‌کنند. در مجموع از دو جهت می‌توان محدودیت‌هایی برای حراست قائل شد.

جهت اول: محدودیت‌های ناظر به نتیجه حراست:

الف. آن نوع حراستی که باعث عدم دسترسی مؤمنین شود، حرام است. البته ناگفته نماند که هر گونه احتجایی حرام نیست؛ آن نوعی از احتجاب حرام است که از روی تکبر و بی‌احترامی به دیگر مؤمنین باشد.

ب. آن نوع از حراست که باعث ذلیل کردن مؤمنین شود، حرام است. این ذلیل کردن می‌تواند در خصوص محافظان صدق کند یا در مورد عموم مؤمنین.

پ. اگر حراست باعث اهانت به مؤمنین شود، حرام است.

ت. اگر حراست مانع تأمین نیازها و حل مشکلات مردم شود، حرام می‌شود.

جهت دوم: محدودیت‌های ناظر به انگیزه حراست:

یک. آن نوع حراستی که ناشی از تصور غلط از «قضا و قدر» باشد، اشکال دارد.

دو. حراستی که ریشه در اعتقاد غلط نسبت به «اجل» داشته باشد و اجل قطعی را انکار کند، اشکال دارد.

سه. آن نوع حراستی که از روی خودبرتربینی و تکبر باشد، حرام است.

چهار. آن نوع از حراستی که حالت خودنمایی و تفاخر پیدا کند، حرام است.

امامین انقلاب، ضمن پذیرش اصل حراست برای آن قیودی از جمله «اکتفا به حدّ ضرورت» و «لزوم ساده‌زیستی و مردم‌داری» مطرح کرده‌اند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ائمه جمعه و جماعتی که اگر عادی بیرون بیایند ممکن است از بین بروند، باید به آن مقداری حفظ کنند که زیاد نباشد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص. ۳۱۸). همچنین مقام معظم رهبری در بیانات مشابهی دستور می‌دهند: «آن مقداری که واقعاً لازم است، حفاظت انجام بگیرد و به همان اندازه ضروری «تقدّر بقدرها» با قضیه برخورد شود، نه بیشتر» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲).

یادداشت‌ها

۱. «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره / آیه ۱۹۵).
۲. روایات حراست از حضرت داوود (ع) هر چند مرسل هستند، اما با توجه به قراین مختلف در این باب می‌توان به اطمینان نسبی در خصوص اعتبار این اخبار، رسید.
۳. هر چند این روایت مقطوع السند است، اما در کتب معتبره نقل شده است.
۴. اصل کتاب و نویسنده آن معتبر است، ولی روایات بدون سند و ضعیف است.
۵. این روایت هر چند ضعیف است، اما اخبار متعدد دیگر – از جمله گزارش صاحب مجمع‌البیان از این ماجرا – باعث وثوق به صدور این روایت می‌شود.
۶. «...أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده / آیه ۳۲).
۷. «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا» (توبه / آیه ۴۷).
۸. «أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ» (نساء / آیه ۷۸).
۹. «فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف / آیه ۳۴).
۱۰. «قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب / آیه ۱۶).
۱۱. «...يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ...» (آل عمران / آیه ۱۵۴).

کتابنامه

قرآن کریم.

- آخوند خراسانى، محمدکاظم (١٤٣٥ق). کفاية الاصول. قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- ابن اثير، عزالدين (١٣٨٥ق). الكامل فى التاريخ. بيروت: دار صادر.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٧٦). الأمالى. تهران: کتابچى.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٨٥). علل الشرائع. قم: کتابفروشى داورى.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٩٢). الاعتقادات. قم: پیام امام هادى (ع).
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٩٨ق). التوحيد. قم: جامعه مدرسين.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٤٠٦ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالشریف الرضى للنشر.
- ابن براج طرابلسى، قاضى عبدالعزيز (١٤٠٦ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على بن محمد (١٤١٢ق). المنتظم. تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه.
- ابن سعد، محمد (١٤١٠ق). الطبقات الكبرى. تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه.
- ابن سيد الناس، أبوالفتح محمد (١٤١٤ق). عيون الأثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير. بيروت: دار القلم.
- ابن شعبه حرانى، حسن بن على (١٣٦٣). تحف العقول. قم: جامعه مدرسين.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٣٧٩ق). مناقب آل ابى طالب (ع). قم: علامه.
- ابن طاووس، على بن موسى (١٤٠٩ق). الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧ق). البداية و النهاية. بيروت: دار الفكر.
- ابن هشام، عبدالملك (بى تا). السيرة النبوية. بيروت: دار المعرفه.
- ابوالصلاح حلبى، تقى الدين بن نجم الدين (١٤٠٣ق). الكافى فى الفقه. تصحيح رضا استادى، اصفهان: كتابخانه عمومى امام اميرالمؤمنين (ع).
- ازهرى، محمد بن احمد (١٤٢١ق). تهذيب اللغة. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- استرآبادى، محمدامين (١٤٣٦ق). الفوائد المذنيه. قم: مؤسسه نشر اسلامى.

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۴). «منظومه مفهومی خرد امنیت اجتماعی شده در سیره نبوی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۱(۱)، ۴۴-۵.
- افتخاری، اصغر و شهباز، حسن (۱۳۹۸). «کالبدشکافی ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله مهدوی کنی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۵(۲)، ۳۴۶-۳۱۷.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۵). «معضله پدیده حاجب در رابطه مردم و نخبگان سیاسی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی. سال بیست و شش، (۷۵)، ۹۲-۷۱.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق). *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*. تحقیق عبدالمعطي قلعجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جمالزاده، ناصر و باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶). «کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۳(۱)، ۳۹-۵.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). *هدایة الامه الی احکام الائمه*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸/۴/۱۲). بیانات در دیدار ائمه جمعه، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آخرین مشاهده در ۱۴۰۰/۰۵/۲۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2124>
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- رپ، برت و لشتیه، تونی (۱۳۸۴). *حفاظت از شخصیت‌ها: راهنمای کامل علمی*، (حسن شمس‌نژاد، مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- رجحان، سعید (۱۳۷۸). *فتوا و مکانیسم آن*. تهران: سوره مهر.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م). *الأعلام*. بیروت، دار العلم للملایین.
- سایت جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۳۹۸/۰۱/۲۰، آخرین مشاهده در ۱۳۹۹/۰۹/۲۷: <https://www.alef.ir/news/3980120001.html>
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.

- شفیعی شاهرودی، محمدحسن (۱۳۸۶). *ابوطالب (حامی پیامبر)*. قم: مرکز نشر هاجر.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*. تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم و الملوک*. بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی الفقه الامامیه*. تهران: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. قم: دارالثقافه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عرفانیان، سیدجلال (۱۳۹۶). *جایگاه حراستها در اسلام*. تهران: حریم دانش.
- عزیزی، سیدمجتبی و احمدی، حسین (۱۳۹۸). «خدمت و وظیفه عمومی از منظر آیات قرآن و سیره معصومین (ع) (بررسی موردی امکان‌سنجی الزام به شرکت در جهاد نظامی)»، *دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*. ۲(۵۰)، ۴۷۲-۴۴۹.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دار الافاق الجدیده.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی (۱۳۷۷). *سیرت رسول الله (ص)*. تحقیق اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتاب.
- کاشف الغطاء نجفی، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). *أنوار الفقاهة (کتاب الشهادات)*. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، سیدمحمدباقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمدی‌مهر، علی‌اکبر (۱۳۹۶). *حراست و ضرورت آن در حفظ استحکام کشور*. دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، ۱۱ تیر ۱۳۹۶.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطری، محمد بن احمد (۱۴۲۶ق). *التعریف بما آنست الهجرة من معالم دارالهجرة*. تحقیق سلیمان الرحیلی، ریاض: دارالملک عبدالعزیز.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۴۲۰ق). *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع*. تحقیق محمد عبدالحمید النمیسى، بیروت: دار الکتب.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البیته (ع).

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*. تحقیق مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البیته (ع)*. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.

